

## مراتب تجلی توحید در کیفیات کالبدی اجتماعی مساجد ایرانی

همایون اقبالی<sup>۱</sup>، حسن سجاذزاده<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه معماری، واحد بروجرد، دانشگاه آزاد اسلامی، بروجرد، ایران

<sup>۲</sup> عضو هیئت علمی، گروه معماری، واحد همدان، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران

### چکیده

از دیرباز بناهای مذهبی یکی از اساسی‌ترین عناصر تشکیل‌دهنده شهرهای اسلامی بودند و تداوم حضور بناهای مذهبی در فرم و ساختار شهر از زمان ایجاد اولین شهرهای اسلامی تاکنون با حیات آن‌ها همراه بود. شهر ایرانی هم عمق و غنای تمدن اسلام را با بهره‌گیری از روح معنویت نشان می‌دهد. این امر به گونه‌ای است که اعتقاد به توحید و ایمان به تعالیم اسلام به عنوان اندیشه زیبایشناسی دین اسلام در هویت شهر ایرانی اسلامی، تجلی می‌یابد. مسجد به عنوان محل سجود، خضوع، عبادت و ایجاد ارتباط با پروردگار و اظهار بندگی در پیشگاه خداوند، از قداست و عظمت خاصی در فرهنگ اسلامی برخوردار است. شهرهای قدیمی و کهن در تاریخ ما گنجینه‌ای است از فن و معرفت و خلاقیت پیشینیان که در طول ده‌ها قرن با وجود فراز و نشیب‌های مختلف و تجربی فراوان شکل گرفته است. مطالعات اندیشمندان ایرانی و خارجی در خصوص بافت‌های تاریخی شهرها نشان‌دهنده ویژگی‌های منحصر به فردی است که جز به کرامت و دوراندیشی انسانهای این مرز و بوم میسر نمی‌گردد. در این مقاله با روش توصیفی-تحلیلی به بررسی نقش توحید، به عنوان یکی از اصول دین اسلام، در کیفیات کالبدی اجتماعی مساجد ایرانی پرداخته می‌شود تا جایگاه ویژه آن به لحاظ کالبدی و فضایی مورد بررسی قرار گرفته و مراتب تجلی توحید در مساجد ایرانی روشن گردد.

**واژه‌های کلیدی:** توحید، مسجد، مساجد ایرانی، معماری مساجد، کالبد اجتماعی.

## مقدمه

شهر در تمدن اسلامی با مسجد به عنوان محل حل و فصل تمام امور مالی و معنوی امت آغاز می‌شود، رشد می‌کند و به حیات خود ادامه می‌دهد. در فرهنگ اسلامی مسجد نه تنها به عنوان عبادتگاه بلکه به صورت مجمع و محل رسیدگی بسیاری از اختلافات و نیز برگزاری برخی مراسم، همواره مورد توجه و احترام بوده است. بنابراین هنرمندان و صنعت‌گران همواره بر این بوده‌اند تا با نکته‌سنجی و کاردانی خویش به ایجاد تقویت، استحکام و زیبایی فضای معنوی آن کمک نمایند. در واقع مسجد مجموعه‌ای از هنرهای گوناگون است که بر روی هم، فضا و مکان خاصی را پدید آورده است. در معماری مساجد به تزیین آن توجه خاص شده است و می‌توان گفت که مسجد اولین جایگاه تجلی هنر اسلامی می‌باشد. بنای مساجد نقش ویژه‌ای در شکل‌گیری و توسعه شهرهای اسلامی در تمام قلمرو اسلام داشته به طوری که علاوه بر جنبه کارکردی، در سازماندهی فضاهای شهر بسیار برجسته بوده است به طوری که توسعه اغلب شهرهای اسلامی و سلسله مراتب موجود در آنها متأثر از مسجد اصلی شهر بود. اهمیت مسجد در شهرهای کهن اسلامی تا آنجا بوده است که واژه شهر تنها به جایی اطلاق می‌شده که در آن مسجد جامع ساخته شده باشد. بناهای مذهبی به عنوان یکی از اصلی‌ترین فضاهای مطرح شده در سطح شهر در مکانی متناسب جهت رفع نیاز افراد جامعه قرار می‌گیرند. این نیاز به رفع عملکردهای مذهبی، اجتماعی، سیاسی و گاه فرهنگی انجام می‌شده است. آنچه مسلم است، شهرهای قدیمی به دلیل شکل‌گیری آن در طی زمان طولانی، اگر چه در بیشتر مواقع بدون طرح از پیش تعیین شده شکل گرفته‌اند، ولی نیاز و ویژگی‌های انسان و محیط پیرامون در کالبد فضایی شهر مؤثر افتاده و شرایط مساعدی برای زیست ساکنان فراهم آورده است و کالبد شهر نه تنها در برابر مسجد خودنمایی نمی‌کردند، بلکه سعی در تجلی اصول و ارزش‌های اسلامی در کالبد شهر داشتند.

## روش شناسی

در این پژوهش برای جمع‌آوری اطلاعات مربوط به ادبیات و مبانی نظری، تدوین فرضیه‌ها و ارائه الگوی اولیه موضوع از روش‌های کتابخانه‌ای (مطالعه کتاب‌ها، مقالات، مجلات، طرح‌های پژوهشی و بانک‌های اطلاعاتی اینترنتی) استفاده شده است. پس از این گردآوری، اطلاعات با رویکرد مقایسه‌ای و تحلیلی بررسی شده و پس از تدوین، به شکل مقاله مروری نگارش یافته‌اند.

## توحید در معماری اسلامی

مهم‌ترین خصوصیت معماری اسلامی این است که بر محور توحید می‌چرخد؛ زیرا در عرفان اسلامی، همه‌ی هستی به یک مبدا واحد برمی‌گردد. اصل توحید، اولین اصل از اصول دین مبین اسلام است و زیربنای سایر اعتقادات فرد مسلمان است. تاکید دین مبین اسلام بر جماعت و وحدت بین مسلمانان باعث گردید که معماران اسلامی بناهای خود را در عالی‌ترین وجه به سمت وحدت سوق دهند و معماری مساجد عالی‌ترین مکان تجلی اعتقادات و افکار مسلمانان است. ایجاد وحدت، هسته‌ی بنیادین تفکر معماران مسلمان بوده است. از سوی دیگر عالم هستی در اسلام بر پایه‌ی تاکید بر پروردگار به عنوان منشاء واحد تمام موجودات، همچنین بر سلسله مراتب وجود که خود متکی بر اصل وحدت بوده و به امر الهی انتظام یافته است و نیز بر مراتب وجود که ماده را به عالم لطیف و عالم لطیف را به فرشتگان و جهان فرشتگان را به عالم فرشتگان مقرب و عالم فرشتگان مقرب را به روح و روح را به فعل خلاقه ازلی پروردگار مربوط می‌دارد، استوار است. (عناق و همکاران، ۱۳۹۰).

## نقش معماری اسلامی در پیام‌رسانی بندگی

در قرآن کریم، خداوند متعال به این موضوع اشاره می‌کند که جن و انس را تنها برای آن آفریده ام که مرا ستایش کنند، ما خلقت الجن والانس الا ليعبدون (سوره زاریات، آیه ۵۶). هنر ساحتی دارد که انسان را از انفعال نفسانی خارج و او را به طبیعت حقیقی خود یعنی بندگی رهنمون می‌سازد. در آیات متعددی از کلام خداوند، فرمان به ستایش و ذکر نام خداوند آمده است؛ هم چون: فی بیوت اذن الله ان ترفع و یذکر فیها اسمہ (سوره نور، آیه ۳۶). از قدیم‌ترین ایام، مردم در خانه‌هایی که خدا دستور داد تا آن‌ها را برآورند و در آن‌ها از نام او یاد کنند، گرد آمدند. همهٔ پرستشگاه‌ها یا نمازخانه‌ها، که جایگاه حصول اتحاد میان برکت آسمانی و اشتیاق زمینی از طریق اقامه آداب و مراسم دینی هستند، خصایصی دارند که قدسیت آن‌ها را منعکس می‌کنند. ممکن است این ساختمانها، بسیار ساده و بی‌پیرایه برای استفاده روستاییان و یا بناهای بزرگ و ظریفی برای عبادت شهرنشینان باشند. در هر دو حالت، شکل پرستشگاه و عناصر سازندهٔ آن معانی نمادینی دارد که جزئی از محیط دینی را تشکیل می‌دهد و نقشی اساسی در آیین‌ها ایفا می‌کند. نگاه معمار مسلمان در ایجاد و برپایی اثر معنوی، بر نظام اعتقادی او نهادینه شده است، به گونه‌ای که با کشف حقایق هستی، در پی نمود و بیان معرفت خویش از طریق افعال و رفتار است تا مسیر دستیابی به مبدأ هستی را هموارتر نماید. از این رو، معماری، بازتاب اندیشه، جهان بینی و به طور کلی بینش آدمی است و مضامین ملهم از بینش او را منعکس می‌سازد. اگر ذهن انسان متذکر به ذکر و نام خدا و پیامبر باشد، بیان معماری او نیز می‌تواند خود وسیله‌ای برای ذکر باشد و انسان غفلت زده را متوجه مفاهیم برجسته‌ای سازد که او را در طی طریق زندگانی دنیوی و اخروی دلیل و راهنما شوند. (کاظمی و کلانتری، ۱۳۹۰).

## نقش و زینت مسجد و ارتباط آن با توحید

مسجد، محل تجلی مجموعه‌ای از هنرهایی است که مصداق مسلم هنر شهودی است. به عبارت دیگر، در مساجد نه تنها دین با هنر ملاقات می‌کند بلکه مهم‌ترین نمودهای هنر اسلامی، معماری مساجد و ویژگی‌های بارز آن است. مجموعه‌ای از جلوه‌های هنری را می‌توان در مساجد مشاهده نمود که از آن باید به هنر پرستش‌گاهی یا هنر قدسی یاد کرد. این جلوه‌های هنری عبارتند از معماری، گچ بری، آجرکاری، کاشی کاری، مقرنس کاری، خوش‌نویسی، فضا آرایی و... از آن جا که هنر با نماد آمیخته است و نمادها ماهیت و جوهره هنر را تشکیل می‌دهند، لذا مجموعه‌هایی که از هنر در خدمت مسجد قرار گرفته، فراوان بوده و دارای پیامی معنادار می‌باشد. (واعظ زاده اسدی و رئیس، ۱۳۹۳).

از دیگر خصوصیات بارز معماری اسلامی، منقش و پر زیور و زینت بودن آن است. اما نقوش به کار رفته در معماری اسلامی از حالت واقعی به حالت انتزاعی تغییر شکل داده‌اند. یعنی از طرفی دنیا و متعلقاتش زیباست و از طرف دیگر نباید به آن‌ها دل بست، بلکه به گونه‌ای رمزار و سمبلیک به انسان می‌گوید که باید به آن حقیقت پرنقش و نگار جاودانه دل بست که هر آنی در شانی است بدون آن که ذاتش دگرگون گردد.

معماران هنرمند در نقش‌پردازی و آذین‌بندی نماها، هم در جنبه زیبا شناختی نقوشها و هم به جنبه فرهنگی آن‌ها نظر داشتند و در کار هنری خود سلیقه شخصی و الهاماتی را که مخالف با روند عمومی باورهای فرهنگی مردم بود، دخالت نمی‌دادند و به پاس و حرمت پیشگامان معماری و سنت‌های فرهنگی، کارهای پیشینیان را تقلید می‌کردند و حتی المقدور از حوزه‌ی کار و اندیشه‌ی آنان پا را فراتر نمی‌گذاشتند.

در معماری تزئینی، هر نقش و رای ارزش صوری خود، دارای ارزشی برگرفته از فرهنگ و بیانگر عقیده و آرمان تداوم‌یافته مردم جامعه در نسل‌های متمادی بود. آرایه‌های معماری از سویی ذهن بیننده را به زیبایی صوری و ظاهر نقوشها و نوع کاربری فضاهای بنایی که نقش و نگارها بر دیوارهای آن نشسته فرا می‌خواندند و از سوی دیگر دیدگاه بیننده را به قلمرو و راز و رمزهای فرهنگی و دینی پوشیده در مفاهیم نقوشها می‌گشودند.

یکی از رمز و رازهای تجلی یافته در زینت‌ها و نقوش مساجد اسلامی، توحید و یگانگی خالق یکتاست. تمامی نقوش به گونه‌ای نگاریده شده‌اند که به نوعی زیبایی خالق را به نمایش بگذارند و بیننده را مجذوب خداوند واحد کنند. زیبایی‌ها و نقش و زینت‌های مسجد به مثابه‌ی عشق زمینی، انسان را از لاک خود بیرون می‌آورند و آنگاه که انسان شیفته و مجذوب این زیبایی‌ها شد او را به عشق الهی رهنمون می‌سازند.

### معماری مساجد و معانی عرفانی توحید

بعضی از محققین بر این معتقدند که احساس ساده و تهی بودن مسجد، از یک سو از فقر معنوی و سوی دیگر از حس حضور روح خدا ناشی می‌شود. ارتباط ارگانیک میان هنر و پرستش اسلامی میان تفکر و تعمق درباره خداوند به صورتی که در قرآن توصیه شده و سرشت تفکر آمیز این هنر بین ذکراالله که هدف غایی تمام اعمال و شعائر مذهبی در اسلام است و نقشی که هنرهای تجسمی و شنیداری در زندگی هر مسلمان به طور خاص و امت اسلامی به طور عام ایفا می‌کند؛ مؤید رابطه علی میان وحی و هنر اسلامی است. اگر این هنر به نزدیک ترین وجه ممکن با صورت و معنای دین اسلام پیوند نداشت هرگز نمی‌توانست از عهده انجام این وظیفه معنوی برآید. (بمانیان و سیلواپه، ۱۳۹۱). جدایی معماری از عرفان و معنویت محال می‌نماید. این همبستگی در بین ادیان الهی و هنر بومی آن کشورها به خصوص شریعت مقدس اسلام آشکارتر است؛ پس می‌توان گفت عرفان متعلق به ذات و ماهیت تمام ادیان است، دین ابزاری موثرتر و سخن گوهر و شارحی برتر از هنر بالاخص معماری معابد و مساجد برای معرفی و حضور خود نداشته است؛ هم چنان که معماری نیز هیچ حامی ای بهتر از دین اسلام نیافته است.

معماری اسلامی برگرفته از زبان قرآن است و عمق و غنای تمدن اسلام را با بهره گیری از روح معنویت نشان می‌دهد. به راستی دست یابی به تعالی و دریافت شکوه و عظمت خدایی که در ابعاد وجودی انسان نیز متجلی گشته است، چنان چه انبساط و سروری در روح آدم ایجاد می‌کند که همواره غرق در ذات مقدس خدایی می‌گردد که بازگشت همه به سوی اوست. (بمانیان و همکاران، ۱۳۸۹). بارزترین تجلی گاه معنویت و هویت متعالی انسانی را می‌توان در لایه‌های پنهانی هنر مساجد جستجو کرد؛ هنری که در آن، دل، جان، بینش عقیده و ایمان انسان، همراه با اعضاء جوارح او، در فرآیند کشف حقیقت و بروز خلاقیت، در تکاپو و جنب و جوش قرار دارد. راز و رمز هنر اسلامی در همان معنویت، خلوص و حقیقت عرفانی درون آن خلاصه می‌شود که به شهود و بروز رسیده است. این هنر، زاییده شوق و شغف ناشی از میل انسان به لقاء و نزدیکی به حق تعالی است؛ هنری که در نتیجه قداست، پاکیزگی، تعالی و عروج ناشی از فرایند طی طریق به سوی عالم کبیر و جهان معنا نمود یافته است. در واقع این مسجد است که روح بی قرار آدمیان را از قیود عالم محسوسات می‌رهاند و به سوی نوری مطلق سوق می‌دهد. هنرمندی که با وقوف به معنویت به مثابه یگانه عامل هویت ساز بشری، همواره کوشیده است با گفتمانی استعلایی و بهره گیری از عناصری پویا، متعادل، هم آوا، رازگونه و متنوع، معنویت و مقدسات را در کالبدی مادی به تصویر بکشاند و از این رهگذر سبب ساز هویتی متمایز برای آدمی باشد؛ هویتی که در نتیجه گسست او از قیود مادی و نیل به ملکوت و جاودانگی حاصل می‌شود.

### ابزارهای پیام‌رسانی توحیدی در مساجد

رویکرد هنر اسلامی، بهره‌گیری از صفاتی ممتاز و گوناگون است که ضمن جامع و کامل بودن حامل پیامی فطری باشد. از این منظر، حقیقت ظاهر و باطن اشیا و نمودی که در قابلیت‌های معنایی، مفهومی و رمزی عناصر سازنده معماری نهفته است، ابزاری را برای پیام‌رسانی مهیّا ساخته است.

نقشه هندسه در پیام‌رسانی:

قد جعل الله لكل شيء قدرا: بی تردید خداوند برای هر چیزی اندازه‌ای قرار داده است (سوره مبارکه طلاق، آیه ۳). هندسه در علوم اسلامی، پیوند تنگاتنگی با مفهوم «قدر» در قرآن دارد. مهندسی در ساحت هنر اسلامی بازآفریننده صور عالم مثال در دو بعد تجریدی و مادی است. بعد تجریدی، خود را در صور انتزاعی نشان می‌دهد و بعد مادی در قالب معماری نمادی از معناست که ظهور می‌کند.

در معماری مساجد، فرم و ساختار بنا که بر حسب معیارهای سنتی مذهبی ساخته شده‌اند، معنایی کیهانی نهفته است. بدین گونه که در تمامیت شکل بنا و نیز در اجزای معماری نظیر محراب، پنجره‌ها، بازشوها و تاق نماها، شکل چهارگوش در پایین و معمولا قوسی یا مدور در بالا به کار برده شده است. این شکل در مساجد گنبددار بیش‌تر مشهود است. در این بناها، گنبد که شکل و حجمی مدور داشته است و نمودار تاق آسمان و بیانگر مکان متعال است، حالت تعالی گر شکل بنا را کامل می‌کند.

بهره‌گیری از عناصر طبیعت :

از منظر جهان بینی اسلامی، عناصر عالم خلقت و آن چه در طبیعت است، آیات و نشانه‌های پروردگار هستند. آن چه از آیات و روایات قرآن و کلام معصومان (صلوات الله علیه) در باب عالم طبیعت و نیز بهشت استنباط و تفسیر شده، مفاهیمی عینی را در انتقال آن برای انسان اهل تدبیر مهیا نموده است. فرموده است «وجنات تجري من تحت الانهار...»، معماران مسلمان نیز به شکل مستقیم از آب، گیاه و یا غیرمستقیم از طریق تزیین‌ها، همواره به تفصیل سعی به بازآفرینی یا تداعی عناصر بهشت بر روی زمین داشته‌اند و در صورت و معماری مسجد نیز به شیوه‌های متفاوت از آن بهره گرفته‌اند. تداعی و اشاره به عناصر طبیعی، در حوزه هنر و معماری، انعکاس و پیامی از مفاهیم عالم معنوی را به منصف ظهور گذاشته است.

معماری اسلامی از نور و سایه، از گرما و سرما، از باد و خواص آن، از آب و خاصیت خنک‌کنندگی آن، از خاک و جنبه‌های عایق‌کنندگی و نیز جنبه‌های محافظت‌کننده اش در مقابل سایر عناصر (آب، باد، آتش) استفاده کاملی به عمل می‌آورد. (کاظمی و کلانتری، ۱۳۹۰).

### معناشناسی توحیدی ایوان در مساجد

حضور ایوان در راستای محور تقارن صحن در ابتدای دید بصری مخاطب، تأکیدی است بر اهمیت مکان‌یابی فضای معماری مسجد و از سویی صحن به عنوان یک فضای باز مطرح بوده که برای ادامه روند سلسله مراتب حرکت و فرم باید پس از گذر از این فضا به فضایی نیمه باز و نیمه بسته منتهی شود. در صحن، تکرار یکنواخت بدنه‌های عمودی که محصورکنندگی را تداعی می‌کند تا رسیدن به بلندی ایوان که همواره با مکث و تغییر در آهنگ و جریان حرکت همراه است، نمادی است از حرکت و تعالی در مسیری معین و این مسیر چیزی نیست جز پیمودن محور اصلی و بی‌کرانه دیوار ضلع قبله. همچنین مواردی چون تضاد میان سایه و روشن، پر و خالی، بلندی و کوتاهی در عرصه معمارانه مسجد تأکید بر حضور فضای ایوان را بیشتر نشان می‌دهد.

از زاویه دید مبادی سواد بصری، مفهومی به نام جوینت<sup>۱</sup> به عنوان یک مفصل رابط تطبیق مطلوبی با کارکرد و مکان‌یابی ایوان دارد. این مفصل ارتباطی، در صدد ایجاد ارتباط بین دو فضای پیوسته در یک سلسله مراتب ولی متفاوت از همدیگر، تلاش می‌کند فهم برتری از برخورد دو فرم معماری ارائه کند.

در ادامه بیان این موضوع و نسبت بین معنا و شکل، در فرم شکل‌شناسی آیین نماز، با حالت رکوع مواجه خواهیم بود؛ حالتی در نماز که میان دو حرکت قیام و سجده است. رکوع یا سر تسلیم فرودآوردن در برابر حق، نقطه اوجی است برای تمرین

<sup>1</sup> Joint

بندگی و همچنین طی طریقی که ره به بینهایت دارد و از حالتی ربط برخوردار است. همچنین می‌توان با مروری بر کلمات و ذکری که در رکوع بیان می‌شود به نکته ای حائز اهمیت اشاره کرد: در ذکر «سبحان ربی العظیم و بحمده» در رکوع از صفت عظیم بر وزن فعیل که در ادبیات عرب صفت برتر است، استفاده شده است. ارائه این مبحث در قیاس با ذکر سجده، یادآور نکته زیبایی خواهد بود.

در پایان این مبحث می‌توان اینگونه بیان داشت که ایوان در مسجد و رکوع در نماز ارتباط مشترک معناشناسانه‌ای دارند. هر دو حالتی میانه و ربط دارند. در این میان نور نیز در هر دو از حالتی میانه برخوردار است. در رکوع دیگر زمانی برای کسب معرفت از طریق نور حق تعالی نیست، بلکه آمادگی و طی مسیر برای مشعر دل آغاز می‌شود که این حالت در ایوان نیز آنچنان که سخن به میان آمد، به کمال دیده می‌شود. (ایمان‌طلب، ۱۳۹۱).

### معناشناسی توحیدی گنبد در مساجد

اساس و اجرای گنبد زمینه‌ای از مقطع زیرین تا تارک گنبد، حرکت ذاتی و معنوی، بندگی انسان مخلص را به سوی حضرت حق و نقطه اوج پرستش الهی می‌رساند. علت اصلی وجودی گنبد، عملکردی نمادین و سمبولیک است، نه نمادی مذهبی صرف؛ چرا که به تنهایی وی در همجواری و تلفیق با فضاهای مذهبی در گذر زمان به خوبی نقشی تأثیرگذار و کاربردی داشته است. (سعیدیان و همکاران، ۱۳۹۰).

گنبد، در عین حال که سقفی است که فضای درون را از سرما و گرما حفظ می‌کند، نماد گنبد آسمان و مرکز آن و نماد محور جهان هست که تمام مراتب وجود را در عالم هستی با پروردگار یکتا مربوط می‌سازد. به گفته نصر، شکل خارجی گنبد کنایه از جمال و مناره نیز نماد جلال الهی است چرا که قوس ایرانی به سوی بالا حرکت دارد و به سمت آسمان و امر متعالی شعله می‌کشد. در واقع تحلیل و تأویل معانی نهفته در گنبد بدون توجه به نقش مقرنس‌ها و نقوش زیر آن و یا بدون توجه به نقش نور در فضا که از گریو گنبد اذن دخول می‌یابد، نمی‌تواند تأویلی کامل و صحیح باشد. گنبد همیشه و در همه جا نقشی از آسمان است و این گنبد کروی که روی پایه‌های مکعبی قرار گرفته است به عنوان اتحاد آسمان و زمین فهم می‌شود. نماد امری مبهم و گنگ یا حاصل‌گرایشی احساسی نیست، بلکه نماد زبان روح است. (کاظم‌پور و اکبری، ۱۳۹۲).

گنبد در معماری اسلامی ایران، همواره مظهر افلاک است و بر روی مکعبی که مظهر زمین است، قرار دارد و این استقرار چنان زیبا به نمایش گذاشته شد که مقرنس‌ها و فیلگوش‌ها حلقه‌ی واسط آسمان‌ها و زمین دیده می‌شوند.

کره گنبد تمثیلی از مبدا وجود است که از تقسیمات آن اشکال مختلف و کثرت برمی‌خیزد. در راس گنبد اکثر مساجد سنتی ایران اسم جلاله الله دیده می‌شود که اسم جامع خداوند است که مستجمع جمیع اسماء و صفات می‌باشد. گنبد اصلی یا توحیدخانه رمز یکتایی و یگانگی خداوند است؛ چون در هر مسجد تنها یک گنبد اصلی وجود دارد. صورت هندسی پایه گنبد که مکعب شکل است؛ می‌تواند خود برگرفته از بنای خانه‌ی خدا باشد که مرحله‌ی بعد چهار ضلعی تبدیل به هشت و شانزده و سی و دو ضلعی می‌شود.

قاعده‌ی هشت‌وجهی گنبد کنایه از کرسی الهی و نیز عالم فرشتگان و قاعده‌ی مربع با چهار گوشه هم، نماد جهان‌بینی جسمانی روی زمین است. شکل خارجی گنبد نیز، کنایه از جمال و مناره نیز نماد جلال الهی است. پس چنین به نظر می‌آید که تمایل گنبد به مرکز از یک سو و دور شدن از مرکز از طرف دیگر، یادآور دو قوس نزولی و صعودی در عرفان است؛ چنان‌که قوس نزولی با حضرت واحدیت شروع می‌گردد.

## نتیجه‌گیری

فشار روانی مضاعفی که از سوی بناهای ساخته دست انسان بر وی و بر روان او وارد می‌شود، یکی از مشکلات شهرهای معاصر است. شهر باید بتواند پاسخ گویی به نیازهای مختلف انسان را از طریق فراهم آوردن اماکن و فضاهای مرتبط با هر کدام از نیازها عهده دار شود. بنابراین، در این مقاله تلاش شده است تا با در نظر گرفتن مسجد به مثابه مهمترین عنصر معماری ایران پس از اسلام، بررسی‌هایی به منظور شناخت میزان حس معنوی و چگونگی تجلی توحید در معماری مقدس مساجد و درگنبد و مناره به مثابه مهمترین و شاخص ترین عناصر معماری مساجد، صورت بگیرد. مسجد به عنوان یک مکان مقدس برای مسلمانان، همواره از ارزش و جایگاه خاصی برخوردار بوده و هست. هر انسان مسلمان و مومن در عین حالی که به این مکان به دیده تقدس و احترام می‌نگرد، باید سعی کند فضای معماری و کالبدی آن را در ارتباط با معنا و مفاهیم مقدس ببیند. طرح آن و نیز فضاهای مختلف آن باید بتواند این معانی را در کنار و توأم با کالبد ببیند. مسجد نیز همچون کلیسا برای مسیحیان و یا هر عبادتگاه دیگری باید موفق گردد که روح قدسی را در مخاطب خویش تجلی سازد. از آنجا که معمار مسلمان در نیل به این اهداف، حتی تنگناها و محدودیت‌های بشری نسبت به سایر مذاهب دارد، سعی نموده با زبانی معنایی و غیر مستقیم با مخاطب خویش ارتباط برقرار سازد. از طرف دیگر مسجد به عنوان یک جایگاه مقدس و پاک، باید نمونه‌ای از هنر اسلامی و دارای تمامی ویژگی‌های یک هنر اسلامی اعم از مردم‌واری، خودبسندگی، پرهیز از بیهودگی، بهره‌گیری از درون‌گرایی باشد و هنرمند اسلامی باید مسجد را بر اساس این ویژگی‌ها بسازد.

## منابع

۱. ایمان‌طلب، حامد (۱۳۹۱). "نسبت معنا و شکل، تطابق اندیشه‌ی معماری مسجد و فرم شناسی نماز" دو فصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات هنر اسلامی، شماره شانزدهم، بهار- تابستان ۱۳۹۱، صفحات ۷۷ تا ۸۸.
۲. بمانیان. محمدرضا، پورجعفر. محمدرضا، احمدی. فریال، صادقی. علیرضا، (۱۳۸۹). "بازخوانی هویت معنوی و انگاره های قدسی در مساجد شیعی"، نشریه شیعه شناسی، شماره ۳۰، صفحات ۳۷ تا ۷۰.
۳. بمانیان. محمدرضا، سیلواویه. سونیا، (۱۳۹۱). "بررسی نقش گنبد در شکل دهی به مرکزیت معماری مسجد"، نشریه معماری و شهرسازی آرمان شماره ۳۱.
۴. سعیدیان. امین، قلی. مجتبی، زمانی. احسان، انصاری. مجتبی، "بازشناخت چگونگی شکل‌گیری گنبد اورچین با تأکید بر ساختار هندسی و معماری"، فصل ۶۵، ۱۳۹۱، نامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی، شماره ۵ - ۴۷.
۵. عناقه، عبدالرحیم و محمودیان، حمید، (۱۳۹۰). "تجلی عرفان در معماری مسجد" نشریه عرفان اسلامی (ادیان و عرفان)، پاییز ۱۳۹۰، شماره ۳۳، صفحات ۱۵۹ تا ۱۸۸.
۶. کاظم پور. زینب، اکبری. علی، "ظهور مجدد گنبد در معماری ایران پس از اسلام و تجلی باورهای اعتقادی و مفاهیم عرفانی در آن"، کنفرانس بین‌المللی عمران، معماری و توسعه پایدار شهری، تبریز، ایران.
۷. کاظمی، سید محمد و کلانتری خلیل‌آباد حسین، (۱۳۹۰). "ابزارهای پیام‌رسانی معنوی در معماری مسجد با تأکید بر نقش ایدئولوژی اسلامی"، فصل‌نامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی، زمستان ۱۳۹۰، شماره ۶، صفحات ۴۱ تا ۴۶.
۸. واعظ زاده اسدی، نگین و رئیسی، طاهره، (۱۳۹۳). "بررسی عوامل کالبدی موثر بر شکل‌گیری حس معنوی در مساجد" همایش ملی معماری، شهرسازی و توسعه‌ی پایدار.

# Levels of Manifestation of Monotheism in the Physical Social Qualities of Iranian Mosques

Homayoon Eghbali<sup>1</sup>, Hassan Sajadzadeh<sup>2</sup>

*M.A Student, Department of Architecture, Islamic Azad University, Branch of Borujerd, Borujerd, Iran.*

*A Faculty Member of the Department of Architecture, Branch of Hamedan, Abu Ali Sina University of Hamedan.*

---

## Abstract

The religious monuments have long been one of the basic elements of Islamic cities and the existence of these monuments in the structure of Islamic cities date back to the very beginning of the formation of these cities. Iranian cities also manifest the depth and richness of Islamic civilization by making use of the spiritual soul. This is such that a belief in monotheism and faith in the teachings of Islam as the aesthetic thoughts of Islam is manifested in the identity of Iranian Islamic cities. The mosque, as a place of prostration, humility, prayer and communication with and expressing obedience to Allah, is of particular sanctity and grandeur in Islamic culture. Old and ancient cities in our history are treasures of the techniques, knowledge and creativity of the predecessors and they have been constructed during decades of centuries despite various ups and downs. The studies conducted by the Iranian and foreign scholars about the historical textures of cities indicate unique characteristics which can never be realized without the dignity and prudence of the people of this country. We have used the analytical method in this study to assess the role of monotheism, as one of the principles of Islam, in the physical social quality of Iranian mosques, so that we can investigate the special position and role of this principle in physical and spatial terms and clarify the levels of the manifestation of this principle in Iranian mosques.

**Keywords:** Monotheism, mosque, Iranian Mosques, Architecture of Mosques, Social Texture.

---